

بیان یک نکتہ اخلاقی

الم تر ان الله يسبح له من في السماوات والارض والطير
صافات كل قد علم صلاته وتسبيحه والله عليم بما يفعلون
. والله ملك السماوات والارض والى الله المصير

تعریف نگاه سرایت

- سرایت در لغت به معنی جریان و انتقال چیزی از جایی است به جای دیگر.
- لیکن در اصطلاح سرایت عبارت است از پیشروی یک جنایت به نحوی که منتهی به جنایت بزرگتر و بیشتر گردد.

جایگاه سرایت در حقوق ایران

- سرایت در حقوق ایران در باب قصاص و دیات طرح شده هر چند موضوع سرایت در فقه امامیه اختصاصی به باب قصاص و دیات ندارد.

ماهیت سرایت

- به موجب مبانی فقهی و حقوقی ایران که متخذ از فقه امامیه است جنایت یا بالمباشره است یا بالتسبیب و یا به اجتماع سبب و مباشر .
- آنچه از بیان فقها مستفاد است اینکه سرایت ماهیتا از مصادیق تسبیب در جنایت است . علامه در قواعد به هنگام بیان مصادیق تسبیب در جنایت می نویسد : « کان مباشرة كقطع اليد أو تسببها كما لو ألقى نارا على يده أو حية ، أو قطع إصبعاً فسرت إلى كفه ، أو جرحه فسرى إليه » - قواعد الأحكام - العلامة الحلی ج ۳ ص ۶۳۱ .

بیان ثمره نزاع

- ثمره اینکه جنایت مسریه از جمله جنایات بالمباشره باشد یا بالتسبیب در اجتماع سبب و مباشر است . چه اینکه ممکن است سبب سرایت امری غیر از فعل جانی باشد .

رتبم مسوولیت جانی و احمیانا سایر عوامل موثر در جنایت مسریه

- مقدمه اول : نحوه و شرایط تحقق شرکت در جنایت مسریه :
- شرکت در جنایت مسریه به دو نحو محقق می گردد :
- الف) اجتماع مباشران : دو یا چند نفر در جنایت اصلی شریک بوده و همه جنایات منتهی به جنایت مسریه گردد .
- ولا يعتبر التساوى فى الجنایة ، بل لو جرحه واحد جرحا و آخر مائه ، ثم سرى الجميع فالجنایة علیهما بالسویة ، وتؤخذ الدیة منهما سواء . - قواعد الأحكام - العلامة الحلی ج ۳ ص ۵۸۸ .
- ولا یشرط فیہ تساوى الجنایات فى العدد و المقدار ، فلو جرح المقتول احدهم جرحا واحدا والآخر مائه وسرى الجميع حتى مات تساوى الجميع فى انه قاتل على السواء ، فعلى كل واحد نصف الدم ، لان المدار على القاتل ، ولما كان القاتل الجارح اثنين ، كان على كل واحد نصف الدیة ، لعل لا خلاف فى ذلك . - مجمع الفائدة - المحقق الأردبیلی ج ۱۳ ص ۴۵۷ .
- (و) کیف كان ف (تتحقق الشرکة) مثلا (بأن یفعل کل منهم ما یقتل لو انفراد) كأن أمسکوه جميعا فألقوه من شاهق أو فى النار أو البحر أو جرحوه جراحات قاتله أو اشرکوا فى تقديم الطعام المسموم (أو ما یکون له شرکة فى السرایة) کل ذلك (مع القصد) من کل منهم (إلى الجنایة) ... (و) على کل حال ف (لا یعتبر التساوى فى) عدد (الجنایة ، بل لو جرحه واحد جرحا والآخر مائه) أو ضرباه بسوط کذلك (ثم سرى الجميع فالجنایة) قصاصا (علیهما بالسویة) على الوجه الذى عرفت (ولو طلب الدیة كانت) الدیة (علیهما نصفین) . و کذا لا یعتبر التساوى فى جنس الجنایة ، فلو جرحه أحدهما جائفة و آخر أمه بل لو جرحه أحدهما وضربه الآخر فمات كان الحكم کذلك - جواهر الکلام - الشیخ الجواهری ج ۴۲ ص ۶۹ .
- ب) اجتماع اسباب : چندین سبب موجب جنایت مسریه گردد مانند اقدامات خود مجنی علیه .

مقدمه دوم : تداخل یا عدم تداخل قصاص و دیات جنایت مسریه در قصاص و دیات جنایت اصلیه

• الف) سرایت در دیات :

• اصل عدم تداخل اسباب و مسببات .

ب) سرایت در قصاص :

- اصل در قصاص به موجب دلائل اجتهادی تداخل قصاص است .
- دیدگاه فقهای امامیه در خصوص تداخل قصاص طرف در قصاص نفس :
- تداخل مطلقا :
- عدم تداخل مطلقا :
- تفصیل بین ضربه واحد یا ضربات متعدد :
- اختلاف الاصحاب فی دخول قصاص الطرف والشجاج فی قصاص النفس إذا اجتماعا علی أقوال ثلاثة ، وكلها للشيخ - رحمه الله :
- أحدها : عدم الدخول مطلقا ؛ ذهب إليه فی المبسوط و الخلاف و اختاره ابن إدريس ناقلا له عن الشيخ فی کتابین ، لعموم قوله تعالى : (فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم) وقوله تعالى : (و الجروح قصاص) . و لثبوت القصاص بالقطع والشجعة عند فعلها ، فيستصحب .
- الثاني : ضده ، وهو دخول الاضعف في الاقوى مطلقا ؛ نقله المصنف عن الشيخ فی کتابین أيضا . واحتج له برواية أبي عبيدة الحذاء الصحيحة عن أبي جعفر عليه السلام قال : (سألت عن رجل ضرب رجلا بعمود فسطاط على رأسه ضربة واحدة ، فأجابه حتى وصلت الضربة إلى الدماغ وذهب عقله .
- الثالث : التفصيل ؛ وهو التداخل إن اتحد الضرب ، وعدمه مع تعدده . ذهب إليه الشيخ فی النهاية و استقر به المصنف ، لما ذكرناه في حجة الاول من ثبوت القصاص بالاولى عند فعلها ، والاصل عدم زواله ، بخلاف ما إذا اتحدت الضربة . ولرواية محمد بن قيس عن أحدهما عليهما السلام : (في رجل فقا عين رجل وقطع أنفه وأذنيه ثم قتله ، فقال : إن كان فرق ذلك اقتص منه ثم يقتل ، وإن كان ضربه ضربة واحدة ضرب عنقه ولم يقتص منه) - مسالك الأفهام - الشهيد الثاني ج ١٥ ص ٩٨ .

اصل تبعیت جنایت مسریه از جنایت اصلیه در ضمان .

- از جمله آثار و نتایج این اصل :
- لزوم رعایت شرایط مقرر برای قصاص در زمان جنایت نه سرایت .
مانند مسلمان شدن جانی در حد فاصل بین جنایت تا سرایت و یا بلوغ و جنون و ...
- ابتدای مهلت پرداخت دیات جنایت مسریه .
- ف (انه) إذا (لم يجب القصاص فی) ابتداء (الجنایة فلم يجب فی سرائتها) - جواهر الکلام - الشیخ الجواهری ج ۴۲ ص ۱۴۷ .
- عفو یا مصالحه مجنی علیه در فاصله فیما بین جنایت اصلیه و مسریه .
- عفو از اصل جنایت و سرایت . (اسقاط ما لم يجب) .

ماده ۵۳۸- در تعدد جنایات ، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است.

- نظریات فقهی
- تداخل الدیات إذا لم یمت المجنی علیه یمت المجنی علیه یحتاج إلى دلیل . . - السرائر - ابن إدريس الحلی ج ۳ ص ۴۱۵ .
- تداخل دیات در مواردی که جنایت منتهی به قتل مجنی علیه نشود محتاج به دلیل است .
-
- دلیل عدم التداخل ولزوم الدیة أن کل واحد سبب للدیة وموجب تام والاصل عدم التداخل . . - مجمع الفائدة - المحقق الأردبیلی ج ۱۴ ص ۳۶۲ .
- دلیل عدم تداخل دیات و لزوم تعیین دیات جداگانه برای جنایات جداگانه این است که هر جنایتی سبب و علت تامه برای دیه جداگانه بوده و اصل بر عدم تداخل دیات است .
-
- إذا اجتمع بعض ما فيه الدیة المقدره شرعا مع بعضها الآخر كذلك فلكل دیتة وذلك للاطلاق وعدم الموجب للتداخل . - مبانی تکملة المنهاج - السيد الخوئی ج ۲ ص ۳۴۵ .
- زمانی که جنایاتی که دارای دیه مقدر شرعی هستند با جنایات دیگر جمع شوند هر کدام دیه جداگانه دارند دلیل این امر اطلاق ادله است و اینکه موجب و دلیلی بر تداخل نیست .

- من جمله القواعد الفقهية قاعدة " اصاله عدم تداخل الاسباب ولا المسببات " ...
أما المراد من اصاله عدم تداخل الاسباب هو ان كل سبب له مسبب أى : يتكرر وجود المسبب بتكرر وجود السبب ، سواء أكان السبب المكرر وجوده من سنخ واحد أو من اسناخ متعددة . - القواعد الفقهية - السيد البجنوردی ج ۳ ص ۲۰۹ .
- از جمله قواعد فقهی قاعده اصاله عدم تداخل اسباب و مسببات است و مقصود از این قاعده این است که با تکرار سبب مسبب نیز تکرار خواهد شد خواه اسباب متعدد از یک سنخ باشند یا سنخ های متعدد .

ماده 540- هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد دیه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند اینکه شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مجنی علیه یا قطع دست او گردد، علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مجنی علیه نیز باید پرداخت شود.

- **مسألة ٦٣: إذا قطع إصبع رجل ، فسرت الى كفه ، فذهب كفه ، ثم اندملت ، فعليه في الاصبع والكف القصاص . . - الخلاف - الشيخ الطوسي ج ٥ ص ١٩٥ .**
- اگر انگشت انسانی را قطع کند و جنایت سرایت کرده و کف دست مجنی علیه از بین برود محکوم به قصاص انگشت و کف دست خواهد شد .
- **فلو قطع إصبعه عمدا لا بقصد القتل فسرت الى نفسه قتل الجراح . - قواعد الأحكام - العلامة الحلی ج ٣ ص ٥٨٥**
- اگر انگشت کسی را عمداً و بدون قصد قتل قطع کند ولی جنایت سرایت کرده و منجر به قتل شود جانی محکوم به قصاص نفس می شود .
- **لو سرت جناية العمد على طرف إلى النفس ثبت القصاص (في النفس) اتفاقا كما هو الظاهر وإطلاقهم يشمل كل جراحة قصد بها القتل أم لا كانت مما يسرى غالبا أولا فلو قطع إصبعه عمدا لا بقصد القتل فسرت إلى نفسه قتل الجراح ولكن فيه نظر . . - كشف اللثام (ط.ق) - الفاضل الهندی ج ٢ ص ٤٤١ .**
- اگر جنایت عمدی نسبت به عضو ، به نفس سرایت کند به اجماع ، قصاص نفس ثابت است اطلاق عبارات فقها شامل هر جنایتی است خواه جانی قصد قتل داشته باشد یا نه ؟ خواه جنایت نوعاً مسری باشد یا نه ؟ بنابراین اگر جانی انگشت مجنی علیه را بدون قصد قتل ، قطع کرده و مجنی علیه بر اثر سرایت بمیرد جانی قصاص می شود و لکن این مساله جای تأمل دارد .

ماوه 296- اگر کسی، عمداً جنایاتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می شود.

- السراية عن جناية العمد ، توجب القصاص مع التساوى . فلو قطع يده عمدا فسرت ، قتل الجارح ، وكذا لو قطع اصبعه عمدا ، بآله تقتل غالبا فسرت . - شرائع الاسلام - المحقق الحلى ج ٤ ص ٩٧٣ .
- سرایت جنایت عمدی در صورت تساوی موجب قصاص است بنابراین اگر جانی دست مجنی علیه را عمدا قطع کند و بر اثر سرایت مجنی علیه بمیرد ، جانی قصاص می شود و همچنین است انگشت مجنی علیه را با وسیله ای که غالبا کشنده است عمدا قطع نماید و بر اثر سرایت موجب مرگ مجنی علیه شود .
- لو سرت جناية العمد ، ثبت القصاص فى النفس . فلو قطع إصبعه عمدا لا بقصد القتل فسرت الى نفسه قتل الجارح .
- اگر جنایت عمدی سرایت کند و باعث مرگ شود قصاص ثابت می شود بنابراین اگر انگشت مجنی علیه را عمدا و بدون قصد قتل قطع کند و سرایت کند به نفس مجنی علیه جانی قصاص می شود . . -قواعد الأحكام - العلامة الحلى ج ٣ ص ٥٨٥ .

- لو سرت جناية العمد على طرف إلى النفس ثبت القصاص (فى النفس) اتفاقا كما هو الظاهر واطلاقهم يشمل كل جراحة قصد بها القتل أم لا كانت مما يسرى غالبا أولا فلو قطع اصبعه عمدا لا بقصد القتل فسرت إلى نفسه قتل الجراح ولكن فيه نظر . كشف اللثام (ط.ق) - الفاضل الهندي ج ٢ ص ٤٤١ .
- اگر جنایت بر عضو به نفس سرایت کند ظاهرا فقها اجماع دارند که قصاص نفس ثابت می شود و اطلاق فقها شامل هر جراحتی می شود خواه قصد قتل شده باشد یا نه و خواه جنایت از جمله جنایاتی باشد که غالبا سرایت می کند یا خیر بنابراین اگر انگشت مجنی علیه را بدون قصد قتل قطع کند و به نفس سرایت کند جانی قصاص می شود لکن در این حکم ایراد است .
- ولو جرح جان عمدا فسرت الجناية إلى النفس فقتل المجروح دخل قصاص الطرف فى قصاص النفس اتفاقا فى الظ وبعدم الخلاف فيه صرح فى بعض العباير وهو الحجة مضافا إلى النصوص الاتیة . ریاض المسائل (ط.ق) - السید علی الطباطبائی ج ٢ ص ٥٠٢ .
- اگر جانی جراحتی وارد کند و جراحت به نفس سرایت و باعث مرگ مجروح شود قصاص عضو در قصاص نفس تداخل می کند ظاهرا فقها بر این مسأله اجماع دارند . در بعضی عبارات تصریح شده که اختلافی در این خصوص نیست و این اجماع دلیل این مسأله است مضافا بر روایاتی که خواهد آمد .